

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (ص ۷-۳۰)

الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی

Pattern of assertiveness based on Islamic sources

محمد رضا رمضانی چالش تری / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.
محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
رامین تبارعی / دکتری روان شناسی عمومی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

Mohammad Reza Ramezani Chaleshtari / Master of Counseling and Guidance, the Academic Institute for Ethics and Education, Qom, Iran. ramazaniam@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. jahangirzademr@gmail.com

Ramin Tabaraei / PhD in General Psychology, Imam Khomeini Institute, Qom, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to "develop a model of assertiveness based on Islamic sources." The present study is a theoretical descriptive-analytical research and the data collection method is based on library studies. To evaluate the content validity quantitatively, two relative content validity coefficients (CVR) and content validity index (CVI) were used. The result of the study in religious teachings was the extraction of 17 concepts related to the components of assertiveness, which were presented to twelve religious and psychological experts. After review by experts, ten concepts were confirmed as components of assertiveness and seven concepts were removed. One of the achievements of this research is to reach a new definition of assertiveness. Identifying the differences between the religion of Islam and Western schools in the purpose and motivation of assertiveness,

چکیده

هدف پژوهش حاضر «تدوین الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی» بوده است. پژوهش حاضر تحقیقی نظری از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. نتیجه بررسی در آموزه‌های دینی، استخراج ۱۷ مفهوم مرتبط با مؤلفه‌های ابراز وجود بود که به دوازده کارشناس دینی و روان‌شناسی ارائه شد. بعد از بررسی کارشناسان، ده مفهوم به عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود تأیید و هفت مفهوم حذف شدند. یکی از دستاوردهای این تحقیق، رسیدن به تعریفی جدید از ابراز وجود است. مشخص کردن تفاوت‌های دین اسلام با مکاتب غربی در هدف و انگیزه ابراز وجود،

positions of assertiveness, differences in defining key concepts such as rights and rights, power and strength of rights and comprehensiveness of rights in Islam is another part of research achievements.

Keywords: assertiveness, pattern, Islamic sources.

مواضع ابراز وجود، تفاوت در تعریف مفاهیم اصلی مثل حق و حقوق، قدرت و قوت تأمین حقوق و جامعیت تأمین حقوق در دین اسلام بخش دیگری از دستاوردهای تحقیق است. **کلید واژه‌ها:** ابراز وجود، الگو، منابع اسلامی.

مقدمه

انسان‌ها بخش زیادی از اوقات روزانه خود را به نحوی در تماس و ارتباط با دیگران می‌گذرانند به همین دلیل کیفیت زندگی هر فرد بستگی به کیفیت ارتباط او با دیگران دارد. ارتباط مؤثر با دیگران، مهارتی است که انسان را در موقعیت ممتاز و بهتری قرار می‌دهد و دستیابی به موفقیت و رضایت را میسر می‌سازد. از این رو، مبحث روابط بین فردی و تعامل اجتماعی، توجه پژوهشگران متعدد خصوصاً روان‌شناسان و مشاوران را به خود جلب کرده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، همواره در تلاش است تا مهارت‌هایی جهت تسهیل روابط میان فردی به دست بیاورد. توجه روزافزون به جرأت‌ورزی و ابراز وجود به عنوان موردی از مهارت‌های زندگی، حاکی از آشکار شدن ارزش‌ها و تأثیرات فراوان این مهارت است.

جرأت‌ورزی شامل احقاق حقوق خود، ابراز افکار و عقاید و احساسات خود به شیوه‌های مناسب و مستقیم و صادقانه است، به گونه‌ای که حقوق دیگران از بین نرود و همچنین رفتاری است که شخص را قادر می‌سازد تا به نفع خود عمل کند، بی‌هیچ‌گونه اضطرابی رفتاری متکی به خود داشته باشد، احساسات واقعی خود را صادقانه ابراز کند و با توجه به حقوق دیگران، حق خود را به دست آورد (هارجی، ۲۰۰۵م).

آلبرتی و آمونز ابراز وجود را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «مهارتی که انسان را قادر می‌سازد بدون اضطراب روی پای خود بایستد، احساسات و افکارمان را صادقانه و با خیالی راحت ابراز کند و بدون ضایع کردن حقوق دیگران حق خود را به دست آورد» (آلبرتی و آمونز، ۱۹۸۲م). الگو در اینجا به معنی مجموعه نشانگان رفتاری و بنیادهای روانی آن شامل عناصر معرفتی، هیجانی، انگیزشی و منشی در نظر گرفته شده است (جهانگیرزاده، ۱۳۹۶).

بخش زیادی از الگوهای رفتاری، تابع فرهنگ هست؛ لذا ترسیم ایده آل ابراز وجود اسلامی نیازمند بررسی الگوی اسلامی است. اختلاف نظر در مصادیق و مواضع ابراز وجود، تلاش

برای پیدا کردن حد و اندازه ابراز وجود و نسبت ابراز وجود با فضایل دیگر، علت جستجوی ابراز وجود در منابع غنی اسلامی و طرح الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی است. در منابع اسلامی اصطلاح ابراز وجود به صراحت ذکر نشده؛ ولی دستور به معنا و حقیقت ابراز وجود شده است. در این تحقیق می‌توان از مفاهیمی از قبیل شجاعت، انضام، ترس، حق و حقوق، عزت نفس و کرامت نفس بهره برد، که هر یک به بخشی از مفهوم ابراز وجود اشاره دارند.

دستور دینی به عدم ظلم به دیگران (سبک سلطه گرانه) و همچنین زیر بار ظلم نرفتن (سبک سلطه پذیرانه)، بخشی از دستورات اسلامی ابراز وجودی است که شارع مقدس اجازه ظلم و همچنین انضام در مقابل ظالم را به مؤمنین نداده است. «هان! مبادا ترس از مردم مانع آن شود که کسی حق را بداند و نگوید. بدانید که برترین جهاد سخن حقیقی است که در برابر فرمانروای ستمگر و منحرف گفته شود» (متقی، ۱۴۱۳، ۴۳۵۸۸).

هدف اصلی این مقاله، شناسایی الگوی ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی است و شناسایی مؤلفه‌های ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی و شناسایی تفاوت‌های ابراز وجود اسلامی با ابراز وجود روان‌شناختی جزء اهداف فرعی مقاله می‌باشد. پرسش اصلی تحقیق، الگوی اسلامی ابراز وجود است و پرسش‌های فرعی مقاله عبارت‌اند از اینکه مؤلفه‌های ابراز وجود بر اساس منابع اسلامی چیست؟ و ابراز وجود اسلامی با ابراز وجود روان‌شناختی چه تفاوت‌هایی دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر تحقیقی نظری از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. در این تحقیقات با رویکرد قیاسی و با تکیه بر دانش پیشین، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلال قیاسی گزاره‌های نظری جدید تولید و ارائه می‌گردد که این گزاره‌ها می‌توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات تجربی قرار گیرند. ابزار پژوهش برای بخش نخست (کیفی)، کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها از منابع روان‌شناسی و منابع دینی است که بخش زیادی از مطالب به صورت فیش‌برداری تکمیل و آماده شدند و ابزار پژوهش برای بخش دوم (کمی)، اجرای پرسش‌نامه و روش آماری (CVI-CVR) است.

همچنین روش جمع‌آوری داده‌ها، بر اساس گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها چهار مرحله در نظر گرفته شده است: ۱. بررسی نشانه‌ها و مؤلفه‌های ابراز وجود در منابع روان‌شناسی؛ ۲. مرور منابع دینی و تشکیل شبکه مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های ابراز وجود از منابع دینی؛ ۳. معنایابی مفاهیم در لغت و اصطلاحات حدیثی و اخلاقی و مشخص کردن ربط مفهوم با مؤلفه‌های ابراز وجود؛ ۴. تحلیل و تأیید کیفی مؤلفه‌های دینی ابراز وجود توسط کارشناسان دینی و روان‌شناسی و تأیید کمی آن توسط ضریب CVI-CVR.

در مرحله اول با بررسی دقیق مفهوم ابراز وجود می‌توان چهار مؤلفه اصلی در آن تعریف در نظر گرفت: ۱. گرفتن حق؛ ۲. عدم انظلام؛ ۳. عدم تعدی به حقوق دیگران؛ ۴. صداقت به معنای هماهنگی و یکی بودن درون و بیرون.

در مرحله دوم، هفده مفهوم اسلامی، مشابه با مؤلفه‌های ابراز وجود استخراج شد که این هفده مفهوم عبارت‌اند از: ۱. شجاعت؛ ۲. کرامت نفس؛ ۳. معرفت نفس؛ ۴. علم و آگاهی به حقوق؛ ۵. عدل و انصاف؛ ۶. عقل و فهم؛ ۷. آزادی و آزادگی؛ ۸. جهاد نفس؛ ۹. تعظیم دین خدا؛ ۱۰. ایمان؛ ۱۱. خوف الهی؛ ۱۲. تقلل (قناعت)؛ ۱۳. مرآت؛ ۱۴. غنی و بی‌نیازی؛ ۱۵. صداقت؛ ۱۶. ظلم‌پذیری؛ ۱۷. قیام به حق.

در مرحله سوم، این هفده مفهوم با تعریف لغوی و استناد اسلامی آن (اعم از آیات و روایات) و وجه شباهت آن با مؤلفه‌های ابراز وجود به کارشناسان ارائه شد و از ایشان خواسته شد که طبق مقیاس لیکرت^۱ به اندازه قرابت این مفاهیم اسلامی به مفهوم ابراز وجود در مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ نمره داده شود (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) که کارشناسان در مرحله چهارم به ده تا از این مفاهیم نمره زیاد و خیلی زیاد دادند و هفت مفهوم نمره متوسط به پایین گرفتند. مفاهیمی که نمره زیاد و خیلی زیاد گرفتند به‌عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود در نظر گرفته شدند و سپس ضریب (CVI-CVR) نیز برای تأیید کمی گرفته شد. هفت مفهوم دیگر که مورد تأیید کیفی کارشناسان قرار نگرفتند و ضریب کمی آنها از استاندارد پایین‌تر بود، حذف شدند.

1. Likert.

یافته‌ها

مفاهیم تأیید شده عبارت‌اند از: ۱. شجاعت؛ ۲. کرامت نفس؛ ۳. علم و آگاهی؛ ۴. عدل و انصاف؛ ۵. عقل؛ ۶. ایمان؛ ۷. صداقت؛ ۸. غنی و بی‌نیازی؛ ۹. قیام به حق؛ ۱۰. عدم انضام. مفاهیم ردّ شده عبارت‌اند از: ۱. معرفت نفس؛ ۲. جهاد با نفس؛ ۳. تعظیم دین خدا؛ ۴. مرّوت؛ ۵. خوف الهی؛ ۶. آزادی و آزادگی؛ ۷. تقلّل و قناعت.

برای وضوح مطلب، یافته‌های پژوهش و مؤلفه‌های تأیید شده تبیین می‌شود.

شجاعت: شجاعت یک صفت مهم و اساسی برای حرکت در زمان روبه‌رو شدن با سختی‌ها، مشکلات و دوراهی‌ها است؛ مانند جهاد در راه خدا، گفتن حق ولو اینکه به ضرر خود و اطرافیان باشد، ابراز عقاید و نظرات خود در مقابل سلطان و حاکم ستمگر و گرفتن حق و حقوق از دشمن و غاصب. شجاعت باعث می‌شود با وجود خطر و ترس درونی، از حرکت نایستد و بر ترس خود غلبه کند.

حقیقت ابراز وجود، گرفتن حق و حقوق خود، عدم تعدی به حقوق دیگران و عدم انفعال در مقابل غاصبین حق و حقوق خود و ابراز نظرات و احساسات به صورت صادقانه و صریح است. با تأمل در حقیقت و معنای ابراز وجود، نزدیکی زیادی به مفهوم شجاعت دیده می‌شود و چهار شاخصه اصلی ابراز وجود در مفهوم شجاعت وجود دارد. به این بیان که با بودن شجاعت، انسان برای گرفتن حق خود مانعی مثل ترس ندارد و اجازه تعدی به حقوق خود را نخواهد داد (به درستی که مردان شجاع با طبیعت شجاعتشان جهاد می‌کردند و از انسان‌هایی که می‌شناختند یا نمی‌شناختند دفاع می‌کردند) و انسان شجاع در ابراز احساسات و افکار خود نیز ترسی ندارد (مهابت و بزرگی شخصی شما را از گفتار به حق منع نکند. آگاه باشید که بزرگ‌ترین جهاد، گفتن کلمه حق نزد حاکم زورگو و ظالم می‌باشد.) و به صورت صادقانه آنها را ابراز خواهد کرد (اگر اشیا از همدیگر جدا می‌شدند، همانا درستی و راستی با شجاعت یک‌جا جمع می‌شدند و ترس با دروغ)؛ لذا شجاعت یک امر زیربنایی و درونی برای یک رفتار بیرونی است و در صورت نبود شجاعت ابراز وجودی به معنای واقعی و صحیح آن اتفاق نخواهد افتاد.

کرامت نفس: انسانی که ارزشی در خود احساس نکند، با انفعال و تعدی به دنبال کسب ارزش‌ها سوق داده می‌شود تا بتواند ارزشی برای خود بیافریند. ادراک ارزشمندی خود، عاملی است که مانع تذللّ و خواری انسان می‌شود و انسان ارزشمند دیگران را نیز همانند خود، ارزشمند می‌بیند؛ لذا به خود اجازه تعدی به حقوق دیگری را نمی‌دهد و همچنین اجازه

تعددی دیگران به حق خود را نمی‌دهد. «بزرگ دار نفست را از هر پستی، ولو تورا به رغبتی بکشاند؛ چون که آنچه از دست می‌دهی به اندازه بذل نفس تونمی‌باشد و عباد دیگری نشود در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۷۷).

در این روایت هشدار می‌دهد که در صورت عدم توجه به ارزش انسانی خود، هم تن به خواری‌ها می‌دهی و هم اینکه با تن دادن به خواری، به بندگی غیر، مبتلا خواهی شد و در این صورت انسان منفعل خواهد شد.

پست دیدن خود عاملی است که انسان را به سمت دروغ سوق می‌دهد. «هیچ دروغ‌گویی، دروغ نمی‌گوید مگر به خاطر پستی و خواری درونی‌اش» (متقی، ۱۴۱۳، ۸۲۳۱).

انسانی که خود را ارزشمند می‌داند، برای رسیدن به مطامع دنیایی یا فریب دیگران دست به کارهای پست نمی‌زند و نفس خود را ارزشمندتر و عزیزتر از هر مطامع دنیایی می‌بیند. کرامت نفس وابسته به شناخت خود و توجه دائمی به حقیقت وجود انسانی است و به معنی ادراک ارزشمندی خود است. انسان با وجود توجه به ارزشمندی خود، به چیزهایی که این ارزشمندی را تحت الشعاع قرار بدهد دقت و حساسیت بیشتری نشان خواهد داد. یکی از دلایل تن دادن به پستی و خواری‌ها و امور ناچیز، به دست آوردن ارزش و احترام است و انسان تصور می‌کند با داشتن یا متصل شدن به آن امر، نزد مردم ارزش کسب خواهد کرد؛ یعنی در حقیقت خود را فاقد ارزش ذاتی می‌بیند و دنبال کسب ارزش می‌افتد، در صورتی که انسان متوجه به کرامت ذاتی، خود را دارای ارزش می‌بیند؛ لذا انسان ارزشمند توجه می‌کند که این ارزشمندی را از دست ندهد و از مسیر درست آن ارزش وجودی خود را بیشتر کند. با توجه به اینکه کرامت نفس از جنس شناخت و توجه می‌باشد، می‌توان آن را یک مؤلفه شناختی در نظر گرفت.

علم و آگاهی از حقوق خود و دیگران: کسی که به دنبال گرفتن حق یا مواظبت بر عدم تعدی به حقوق دیگران و عدم انفعال در مقابل متعدیان باشد، نیاز دارد در مرحله اول از حق و حقوق خود و دیگران شناخت پیدا کند.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «آگاه‌ترین انسان‌ها به حقوق دیگران به جا آورنده‌ترین شخص در حقوق دیگران می‌باشد و همچنین این شخص شأن و جایگاه بزرگی نزد خدای متعال پیدا خواهد کرد».

در دین مبین اسلام از تمام اموری که انسان را خوار و ذلیل می‌کنند نهی شده و بر رعایت اموری که عزت‌آفرین می‌باشد، زیاد سفارش شده است. یکی از امور ذلت‌آور، جهل می‌باشد

که طبق سفارشات مؤکد دینی باید برای از بین بردن آن تلاش کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «نادانی، خواری است» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۶۷). جهل زمینه تعدی به حقوق دیگران و همچنین انفعال در مقابل تعدی دیگران را به دنبال می‌آورد.

عدل و انصاف (مقابل مفهوم ظلم و تعدی): عدل، معانی گوناگونی دارد که منظور از عدل در اینجا، عدل اجتماعی است که به معنای رعایت حقوق دیگران و دادن حق به صاحب حق است.

قوه عدل مانند عقل، به مثابه یک نیروی بازدارنده از تعدی به حقوق دیگران عمل می‌کند و با آمدن عدالت در وجود آدمی، می‌توان گفت که او دیگر ظلم به دیگری نخواهد کرد. انصاف در حکم کردن هم چه در جایگاه حاکمیتی و چه در جایگاه فردی انسان از نشانه‌ها و برکات عدالت می‌باشند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «عدل، انصاف در حکم کردن و دوری از ظلم است». «ای پسر من خودت را میزان قرار بده و آن چه برای خودت دوست داری برای دیگری نیز دوست بدار و آنچه مکروه میدانی برای خودت، برای دیگری هم مکروه بدان و همان طور که دوست نداری ظلم به خودت را، به دیگران ظلم نکن (رضی، ۱۳۸۷ (للسبحة صالح)، ص ۳۹۷).

مهم‌ترین کار برای رسیدن به ملکه و صفت عدالت این است که همیشه در نگاه به دیگری و مسائل اجتماعی و فردی نگاه منصفانه‌ای به دیگران داشته باشیم. با قرار دادن خود در جایگاه دیگری انسان از ظلم به دیگری مصون می‌ماند. آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگری نیز بیپسندی. همان طور که من دوست دارم به حقوقم برسم، دیگری نیز همین میل و خواسته را دارد و همان طور که من از ظلم دیگران کراهت دارم، دیگران نیز همین کراهت را دارند.

از آنجایی که عدل، عامل برانگیزاننده برای رفتار ابراز وجودی است که تعدی به حقوق نکنیم و رفتار ما رفتار صادقانه باشد، می‌توان آن را جزء مؤلفه انگیزشی به حساب آورد.

عقل: شناخت عاقل بودن افراد و اندازه‌گیری عقل انسان از مسائلی است که به آن در منابع دینی توجه شده است. عقل، امری فرا مادی می‌باشد که نمی‌شود آن را با میزان‌های مادی اندازه گرفت؛ لذا برای شناخت اندازه عقل افراد، ما را به رفتارها و نمودهای بیرونی افراد متوجه ساخته‌اند. هر قدر انسانی در رعایت حقوق دیگران حساس‌تر و مراقب‌تر باشد نشان‌دهنده کمال عقل و هر قدر اهمال در رعایت حقوق دیگران بکند نشان‌دهنده ضعف عقل در شخص می‌باشد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «اذیت نکردن از به کمال رسیدن عقل انسان است» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۴۸).

ملاک و نشانه دومی که برای شناخت عقل انسان معرفی شده، صدق و راستی در رفتار و گفتار می‌باشد. انسان عاقل و فهمیده کسی است که صداقت در وجود او متجلی باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثمره و نتیجه عقل در انسان، صداقت و راستگویی است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۳۲۸).

پس در اینجا به دو مؤلفه ابراز وجود در عقل اشاره شده است: یک: عدم تعدی به حقوق دیگران و دوم: صداقت و یکرنگی، که این دو نشانه، عقل را به مفهوم ابراز وجود نزدیک کرده است.

ایمان به خدای متعال (کیفر و پاداش اخروی): ایمان ارتباط نزدیکی با ابراز وجود دارد. در حقیقت ایمان با چهار شاخصه ابراز وجود ارتباط مستقیم دارد. ایمان باعث می‌شود انسان به حقوق دیگران تعدی نکند و جنبه بازدارنده نفسانی و درونی دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «نشانه ایمان شخص این است که زمانی که نفعی در کار است صداقت و راستی را بر دروغ ترجیح دهد و علم تو بر همل تو برتری‌ای نداشته باشد و زمانی که می‌خواهی در مورد دیگری صحبت کنی خدا را در نظر بگیری» (رضی، ۱۳۸۷، (للصبحی صالح)، ص ۵۵۶).

صفت ایمان باعث می‌شود انسان در مقابل تعدی، منفعل نباشد و برای گرفتن حقوق اقدام کند و ایمان، نقش ویژه‌ای در رفتار صادقانه دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «رأس ایمان، صداقت است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۵۲۲).

وجه تسمیه مؤمن و ایمان نیز به خاطر همین موضوع است که مردم و آن شخص را بر جان و مال خود امین می‌دانند و انسان‌ها از ظلم و تعدی او در امنیت می‌باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «آیا می‌خواهید شما را آگاه کنم که چرا به انسان مؤمن، مؤمن گفته می‌شود؟ به خاطر این بودن مردم بر جان و مالشان از جانب او» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۶۰، ح ۳).

مؤمن وجودی سراسر صداقت دارد و در خلقت مؤمن دروغ و خیانت سرشته نشده؛ یعنی طبیعت اولیه مؤمن بر دروغ نیست و ارتباطی با وجود مؤمن ندارد؛ مگر اینکه از جرگه ایمان خارج شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «سرشت مؤمن با هر چیزی مخلوط شده الا خیانت و دروغ» (منذری و عماره، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۹۵، ح ۲۲).

پس با این توضیحات مختصر مشخص شد که ایمان با مؤلفه‌های ابراز وجود ارتباط بالایی دارد و تمام مؤلفه‌های ابراز وجود در مفهوم ایمان وجود دارند.

غنی و بی‌نیازی: از آثار غنی در متون دینی، آزاد شدن از حرص و طمع است. انسان طمع‌کار یا حریص مثل انسان اسیر است. انسان اسیر در دست دشمن، یک شخصیت منفعل می‌باشد و نمی‌تواند خودش، مستقلاً تصمیم بگیرد.

حضرت ابا عبدالله علیه السلام فرمودند: «بالاترین غنی، اسیر نبودن در صفت حرص است» (کلینی، ۱۳۶۵ ق، ج ۳، ص ۷۷۰).

صفت حرص و طمع انسان را در مقابل دیگران به انفعال و خواری می‌کشانند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بدترین بنده، بنده‌ای است که طمعی داشته باشد که او را به خواری بکشاند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۳۵، ح ۴۷).

دردل غنی و بی‌نیاز، امید و یقین به نزدیک بودن و رسیدن به خواسته‌ها و دردل طماع و حریص، ترس از نرسیدن و از دست دادن نهفته است؛ لذا انسان بی‌نیاز، تمایلی به تعدی به حقوق دیگران ندارد؛ چون روحیه بی‌نیازی او را کفایت می‌کند و در حقیقت انسان بی‌نیاز خود را غرق در ثروت‌های روحی و معنوی می‌بیند.

مهم‌ترین بخش وجودی انسان بی‌نیاز، بخش درونی او است که همان ارضای روح بلند خود می‌باشد؛ لذا برای رسیدن به آرزوها و خواسته‌های خود اگر آن خواسته را باعزت نفس خود سازگار ببیند، اقدام می‌کند؛ ولی اگر رسیدن به خواسته‌ها متوقف بر از دست دادن عزت نفس باشد، به هیچ وجهی اقدامی نخواهد کرد و تن به ذلت و خواری نخواهد داد.

امام حسین علیه السلام فرمودند: «غنی و بی‌نیازی‌ای که تو را از ظلم نگه دارد، بهتر است از فقری که تو را بر گناه وادار می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵ ق، ج ۹، ص ۵۲۷).

در آخر روایت اشاره شده است که یکی از عوامل تعدی به حقوق دیگران فقر است. انسان فقیر بدون غنای نفسانی، همیشه در خود احساس نیاز و خلأ می‌کند و برای رفع نیاز خود، ممکن است دست به تعدی به حقوق دیگران بزند؛ ولی انسان غنی به خاطر ثروتمند دیدن خود، تعدی به حقوق دیگران نخواهد کرد.

با این توضیحات روشن شد که صفت غنی ارتباط نزدیکی با ابراز وجود دارد. انسان بی‌نیاز در حقیقت سه شاخصه ابراز وجود را دارد. یکی اینکه در مقابل متعدّیان و ستمگران انفعال ندارد و اسیر دست دیگران نخواهد شد و به بندگی غیر در نمی‌آید و دوم اینکه انسان غنی، به خاطر بی‌نیازی درونی، نیازی به تعدی به حقوق دیگران ندارد و هماهنگی درون و بیرون در او به وضوح دیده می‌شود. همان‌طور که در درون، حس بی‌نیازی را دارد، در بیرون هم همین بی‌نیازی را ابراز می‌کند.

غنی از جنس شناخت می‌باشد. غنی امری وجودی باید معنی شود (درک ثروتمند بودن خود) نه عدمی (عدم میل و اشتیاق). به معنی صحیح‌تر غنی، ادراک برخورداری یا دارایی و ثروت است که با این ادراک، تلاش برای به دست آوردن مادیات به هر قیمتی، بی‌معنی خواهد شد؛ لذا غنی یک مؤلفه شناختی می‌باشد.

عدم ظلم‌پذیری: عدم ظلم‌پذیری یا عدم انظلام در حقیقت شاخصه اصلی ابراز وجود است که در مقابل تعدی دیگران عقب ننشیند و با استقامت در راه حق، بتوان بر تعدی دیگران غلبه کرد و به حقوق خود رسید. این روحیه مؤمنین است و دیگر انسان‌ها به خصوص دشمنان دین و مؤمنین با دیدن روحیه قوی و بدون انفعال مؤمنین، به خود اجازه تعدی را نخواهند داد و یک اقدام پیشگیرانه است که این روحیه، جرأت اقدام علیه مؤمنین را نمی‌دهد.

در دستورات دینی تأکید زیادی برای عدم ظلم به دیگری و انظلام شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پناه ببرید به خدای متعال از نداداری و تنگدستی و از اینکه ظلم بکنید یا مورد ظلم واقع بشوید» (نهج الفصاحه، ص ۲۰۸، ح ۲۷۸).

در متون دینی، پذیرفتن ظلم، و انفعال در مقابل ظلم مذمت شدید شده است. کسی که مقابل تعدی و تجاوز دیگری نایستد در حدی است که خداوند متعال او را دشمن خود فرض کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند متعال مبعوض می‌دارد مردی را که بیگانه‌ای وارد خانه او شود و او با بیگانه نمی‌جنگد» (متقی، ۱۴۱۳، ۷۰۷۴).

خداوند متعال به مؤمنین، اجازه نمی‌دهد که در مقابل تعدی دیگران منفعل باشند و خدای تعالی راه تسلطی بر مؤمنین قرار نداده مگر اینکه خودشان بخواهند و منفعل شوند. با این توضیحات، عدم ظلم‌پذیری به‌عنوان یک مؤلفه رفتاری در نظر گرفته می‌شود. **قیام به حق:** خدای تعالی به انسان‌ها اجازه قیام برای حقوق را داده است و حتی بالاتر از اجازه، دستور برای قیام به حق در متون دینی ما آمده است. از ما خواسته‌اند ترس از عواقب قیام باعث نشود که برای گرفتن حقوق خود سست شویم و قیام برای حق را رها کنیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای حق قیام کن و از آنچه بر تو می‌رسد بیمناک مباش» (مفید، ص ۲۳۰).

همچنین عدم قیام برای گرفتن حقوق، مذمت شده است: «ترک حقوق خواری است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۳۶۰).

آن‌قدر این صفت مهم است که خدای تعالی خود را قائم به قسط معرفی کرده است.

قائم به قسط کسی است که توجه و حساسیت خاصی بر روی حق و حقوق دارد. اجازه تعدی به دیگران نمی‌دهد و خودش نیز به بندگان خود ظلم و تعدی نمی‌کند. قیام به حق وظیفه‌ای است که مؤمنین نباید از آن غفلت ورزند و نباید در مقابل ظلم‌ها و تعدی‌ها ساکت ماند چون شرّ و شرور از سکوت در مقابل تعدی و ظلم‌ها، ایجاد و گسترش پیدا می‌کند.

درست است که مؤمنین موظف به رعایت حقوق دیگران هستند؛ ولی رعایت حقوق دیگران مانعی برای اجرای حقوق بر انسان‌ها نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مراعات حق دیگری شما را از اقامه حق بر او منع نکند» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۷۵۴).

با این توضیحات داده شده، قیام به حق را می‌توان مؤلفه رفتاری در نظر گرفت. **صداقت:** با توجه به تعریف لغتی و اصطلاحی می‌توان صدق را این‌طور تعریف کرد: هماهنگی درون و بیرون انسان. وقتی انسان بتواند درون خود را کاملاً بشناسد و درک کند چه افکاری دارد، الآن چه احساسی دارد و همین افکار و احساسات را در بیرون بروز دهد به یکرنگی و هماهنگی این دو، صداقت گفته می‌شود و اگر تضاد بیرون و درون اتفاق افتاد، می‌شود نام آن را کذب و دروغ گذاشت. این هماهنگی درون و بیرون یکی از شاخصه‌های اصلی ابراز وجود است که برای بیان افکار و احساسات کاربرد زیادی دارد.

در آیات روایات اشاره به تأثیرات صدق و کذب در اجتماع نیز شده است که از آثار صدق، عزت و بزرگی و احترام بین افراد جامعه است و کذب مایه خواری و ذلت بین مردم است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «راستگو، محترم و ارجمند است، و دروغگو، بی‌حرمت و خوار» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۰۹). بنابراین انسان دروغگو با دروغگویی، زمینه انظلام خود را فراهم خواهد کرد و همچنین با این صفت به حقوق دیگران نیز تعدی خواهد کرد.

صداقت یک مؤلفه رفتاری است که نمود آن در خارج و در رفتار انسان مشاهده می‌شود. **الگوی اسلامی ابراز وجود:** با توضیحات ارائه شده می‌توان گفت، ابراز وجود اسلامی دارای دو منبع و پایگاه بزرگ به نام عقل و ایمان است که تمام مؤلفه‌های دیگر (هشت مؤلفه دیگر)، نشأت گرفته از ایمان و عقل است. هر عمل صالح و رفتار صحیحی به عقل و ایمان مرتبط است که البته این ارتباط یک ارتباط دو سویه است که هم ایمان باعث حرکت به سمت کارهای صالح می‌شود و هم عمل صالح باعث ازدیاد و تقویت ایمان خواهد شد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «به واسطه ایمان به کارهای صالح و به واسطه کارهای صالح به ایمان راهنمایی می‌شود و با ایمان علم، آباد می‌شود» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۵۶).

قدرت ایمان آن قدر بالاست که فضایل اخلاقی، بر وجود خطر ترجیح داده می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ایمان چیزی است که مقدم بداری راستی را زمانی که راستی به تو ضرر می‌رساند، در حالی که دروغ به تو سود می‌رساند» (رضی، ۱۳۸۷، حکمت ۴۵۸).

عقل، پشتوانه ایمان است و قرابت بسیار نزدیکی بین ایمان و عقل وجود دارد. آن قدر ارتباط بالایی وجود دارد که می‌شود انسان عاقل را مؤمن خواند و انسان عاقل را مؤمن خطاب کرد. ریشه و پشتوانه ایمان هر انسانی، عقل اوست؛ لذا اگر انسانی درجه ایمان او بالا بود قطعاً درجه عقل او نیز بالاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «برای هر چیزی پایه و ستونی است و ستون انسان مؤمن عقل اوست و عبادت پروردگار به اندازه عقل اوست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۶). ثمرات اجتماعی و فردی زیادی برای عقل گفته شده است و صداقت که شاخصه اصلی ابراز وجود می‌باشد از جمله آثار عقل است. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «انسان عاقل دروغ نمی‌گوید اگر چه به طرف آن کشیده شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹).

از نشانه انسان عاقل همین بس که به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ناقص‌ترین عقل انسان‌ها از کسی است که به زیر دست خود ظلم کند و در صورت عذرخواهی دیگری، عذر او را نپذیرد» (محمد بن مکی، ص ۳۱).

انسان‌های عاقل در مقابل حاکمان ستمگر، با استقامت می‌ایستند و ترسی به خود راه نمی‌دهند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ناقص‌ترین انسان‌ها از جهت عقلی، انسانی است که بیشترین ترس را از حاکم داشته باشد و پیروی‌کننده‌ترین مردم از حاکم باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰).

اگر مفاهیم بر اساس مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری دسته‌بندی شود، ایمان و عقل دو منبع و پایگاه رفتار ابراز وجودی است. عدل و انصاف، مؤلفه انگیزشی برای رفتار ابراز وجودی است. کراهت از مورد ظلم واقع شدن، یکی از دلایل برای ظلم نکردن به دیگری می‌شود. سه مؤلفه شناختی ابراز وجود عبارت‌اند از: ۱. علم و آگاهی به حقوق خود و دیگران؛ ۲. کرامت نفس به معنی ادراک ارزشمندی؛ ۳. غنی و بی‌نیازی به معنای ادراک برخورداری و دارایی و صفت شجاعت، مؤلفه هیجانی ابراز وجود می‌باشد. همچنین صداقت، عدم انظلام و قیام به حق، سه مؤلفه رفتاری ابراز وجود می‌باشد.

شکل کلی مؤلفه‌های ابراز وجود اسلامی

| | | | |
|---------------------|----------------|-----------|--------------------------|
| ایمان | | عقل | پایگاه و منبع ابراز وجود |
| عدل و انصاف | | | مؤلفه انگیزشی |
| علم و آگاهی به حقوق | غنی و بی‌نیازی | کرامت نفس | مؤلفه‌های شناختی |
| شجاعت | | | مؤلفه هیجانی |
| قیام به حق | عدم انظلام | صداقت | مؤلفه‌های رفتاری |

مشخصه آمار توصیفی درجه‌بندی میزان قرابت مفاهیم دینی با مفهوم روان‌شناختی ابراز وجود: از بین هفده مفهوم استخراج شده، ده مفهوم به تأیید کیفی کارشناسان رسید و کارشناسان تأیید کردند که این ده مفهوم ارتباط بسیار نزدیکی با مؤلفه‌های ابراز وجود دارند و این مفاهیم می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های ابراز وجود اسلامی در نظر گرفته شوند و برای تأیید کمی مؤلفه‌ها از ضریب CVI-CVR استفاده شد که در جدول زیر نمرات مؤلفه‌ها به دست آمده است.

از هفده مؤلفه، پنج مؤلفه (شجاعت، انصاف، صداقت، قیام به حق، عدم ظلم‌پذیری) نمره CVI آنها صد شد و کامل‌ترین نمره را داشتند و کمترین نمره CVI را مفهوم خوف‌الهی کسب کرد.

| ردیف | مؤلفه | میانگین | CVR | CVI |
|------|----------------|---------|-------|-------|
| ۱ | شجاعت | ۵۸.۴ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ |
| ۲ | معرفت نفس | ۵۸.۳ | ۳۳/۰ | ۶۶/۰ |
| ۳ | کرامت نفس | ۲۵.۴ | ۶۶/۰ | ۹۱/۰ |
| ۴ | علم و آگاهی | ۲۵.۴ | ۶۶/۰ | ۹۱/۰ |
| ۵ | عدل و انصاف | ۴۱.۴ | ۵۰/۰ | ۱۰۰/۰ |
| ۶ | عقل و فهم | ۹۱.۳ | ۵۰/۰ | ۸۳/۰ |
| ۷ | آزادی و آزادگی | ۵۸.۳ | ۱۶/۰ | ۷۵/۰ |
| ۸ | جهاد با نفس | ۵.۳ | ۰/۰ | ۷۵/۰ |

| ردیف | مؤلفه | میانگین | CVR | CVI |
|------|----------------|---------|------|-------|
| ۹ | تعظیم دین خدا | ۵.۳ | ۰/. | ۷۵/. |
| ۱۰ | ایمان | ۰۸.۴ | ۵۰/. | ۹۱/. |
| ۱۱ | خوف الهی | ۴۱.۳ | ۰/. | ۵۸/. |
| ۱۲ | تقلل (قناعت) | ۱۶.۳ | ۳۳/. | ۷۵/. |
| ۱۳ | مرؤت | ۶۶.۳ | ۱۶/. | ۷۵/. |
| ۱۴ | غنی و بی‌نیازی | ۷۵.۳ | ۵۰/. | ۸۳/. |
| ۱۵ | عدم ظلم‌پذیری | ۵.۴ | ۸۳/. | ۱۰۰/. |
| ۱۶ | قیام به حق | ۵۸.۴ | ۸۳/. | ۱۰۰/. |
| ۱۷ | صداقت | ۵۸.۴ | ۸۳/. | ۱۰۰/. |

بحث و نتیجه‌گیری

حدّ و حدود ابراز وجود در مقابل والدین و رهبران الهی، ارتباط با جنس مخالف و عدم تغافل از صفات کمالی در ارتباط بین فردی مثل حلم، گذشت، ایثار و... از ویژگی‌های این تحقیق است. عقل و ایمان دو منبع اساسی ابراز وجود اسلامی می‌باشد. اگر روی دیگر مفاهیم در آموزش ابراز وجود کار شود و روی ایمان و عقل کار نشود و انسان رفتاری انجام دهد نمی‌توان آن رفتار را ابراز وجود اسلامی نامید.

عقل و ایمان به انسان قدرت و نیروی ابراز وجود می‌دهد و با وجود این دو منبع و پایگاه بزرگ، ابراز وجود هم‌پشتوانه شناختی دارد و هم‌پشتوانه رفتاری که در انجام آن هیچ تردیدی نکند. صفت انصاف به انسان اجازه نمی‌دهد که ظلمی را ببیند و ساکت و منفعل بماند و همین‌طور نیز به خود اجازه تعدی نمی‌دهد. با وجود انصاف در وجود انسان، برای رفتار ابراز وجود انگیزه پیدا می‌کند و برای آن اقدام می‌کند و شجاعت، راه را برای اقدام علیه تعدی و بیان افکار و احساسات به صورت صادقانه هموار می‌سازد و با وجود شجاعت، ترس و اضطراب از انسان جدا می‌شود و در حقیقت با علم و آگاهی از حقوق و ادراک ارزشمندی و دارایی، شناخت صحیحی از خود و حقوق خود پیدا خواهد کرد و با این شناخت‌های ارزشمند، انسان به سمت صداقت، عدم انظلام، قیام به حق حرکت خواهد کرد.

تفاوت‌های ابراز وجود دینی با ابراز وجود روان‌شناسی: تفاوت‌های ابراز وجود اسلامی

با روان‌شناسی در پنج موضوع از جمله اهداف و انگیزه‌های ابراز وجود، مواضع ابراز وجود (تعمیم یا تخصیص رفتار ابراز وجود)، تعریف حق و حقوق، قوت تأمین حقوق و جامعیت و گستردگی رسیدن به حقوق، بررسی شده است که به آنها اشاره خواهد شد.

هدف و انگیزه ابراز وجود: آموزه‌های اعتقادی و رفتاری دین مبین اسلام هدفی به جز تربیت و رشد اخلاقی مؤمنین و مسلمانان ندارد. (چنانچه حضرت رسول ﷺ فرمودند: «همانا من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم». بعثت انبیا و در رأس پیامبران، پیامبر گرامی اسلام چیزی به جز کرامت اخلاقی نبوده است. ابراز وجود دینی راهی برای تربیت نفوس است، هم خودم تربیت شوم و هم اینکه طرف مقابل من هم بتواند رذایل اخلاقی خود را اصلاح کند. هم از جنبه الگویی تأثیر بپذیرد و هم اینکه اگر صفات رذیله در او قوی شده است با برخورد بیرونی متعادل شود.

در حقیقت تلاش دین برای تربیت تمام انسان‌ها برای رسیدن به امت واحده است که هرکسی دیگری را با خود یکی بیندارد، غم دیگری را غم خود و شادی دیگری را، شادی خود فرض کند. فرقی نمی‌کند این مسلمان در کجای عالم زندگی می‌کند، با چه زبانی صحبت می‌کند و با چه رنگ پوستی است. در این جامعه واحده همه یک هدف دارند و همه برای یک هدف تلاش می‌کنند و آن رسیدن به جامعه توحیدی یا حیات طیبه است که این انتظار همه است. «هر کس عمل صالح انجام دهد، چه مرد و چه زن، در حالی که ایمان داشته باشد، ما او را به عیش طیب زنده می‌داریم، و مزدشان را بهتر از آنچه می‌کردند پاداش می‌دهیم» (نحل، ۹۷). غرض از دین این است که مردم خدای سبحان را یا بدون وساطت کسی - در مذهب حق - یا به واسطه شفیعان و شرکا - در مذهب باطل و شرک - بپرستند؛ چون سعادت انسانی و حیات طیبه او در آن است. حیات طیبه‌ای که انسان جز رسیدن به آن، هدف نهایی دیگری ندارد، حیاتی که آدمی جز به وسیله نفسی پاک از پلیدی‌های تعلقات مادی و تمتعات بی‌قید و شرط حیوانی، به آن نمی‌رسد، و چون این دعوت محتاج بود به اینکه جزء دستورات خود اصلاح نفس و تطهیر آن را هم مندرج نماید، تا گرونده به دعوت و آن کسی که دین او را در دامن خود می‌پروراند مستعد برای پذیرفتن و ملبس به خیر و سعادت شود، از این رو مسئله تهذیب نفس جزء برنامه دین شده است (علامه طباطبایی، *تفسیر المیزان*).

در متون دینی، زیاد دیده می‌شود که مسلمانی برای شکایت از مسلمان دیگر به محضر رسول گرامی اسلام ﷺ و یا ائمه طاهرین می‌آید و حضرات معصومین علیهم‌السلام به برخی از مسلمان‌ها دستور به حق خواهی و گرفتن حقوق می‌دهند و به برخی دیگر دستور به گذشت و

ایثار و برخورد کریمانه به آن شخص می‌دهند که در غالب سفارشات دینی، دستور به ایثار و گذشت بیشتر به چشم می‌خورد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه بردشمنت قدرت یافتی، گذشت از او را شکرانه چیره آمدنت بروی قرار ده» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱).

ولی در فرهنگ غربی دستور به ایثار و گذشت خیلی کمتر به چشم می‌خورد و انسان‌ها طوری تربیت شده‌اند که برای هر خطایی باید ابراز وجود کرده، حَقّ خواهی کنند. تفاوت در دستورات معصومین علیهم السلام در مورد حق خواهی یا گذشت و ایثار به مسلمان‌ها، نشان‌دهنده این است که هدف از این راهکارها، تربیت افراد است نه صرف گرفتن حق و گرفتن اینکه همیشه مواظب جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران باشد. در سیره معصومین علیهم السلام به وفور دیده شده که از حقوق شخصی خود گذشته‌اند با اینکه بدترین رفتارها را در مقابل آنها انجام داده‌اند و قدرت بر مقابله و دفع تعدی دیگران را نیز داشته‌اند. جسارت‌ها به ایشان، هیچ‌کدام باعث نشده که با داشتن توانایی تنبیه، بحث حق خواهی و مقابله با آنها را مطرح کنند بلکه رفتار آنها بیشتر جنبه تربیتی داشته است تا شخص مورد نظر از رفتار خود پشیمان شود و اقدام به اصلاح و تربیت خود کند که در اکثر موارد این اتفاق افتاده و حتی غیرمسلمان را به دین اسلام کشانده است و مسلمان خطاکار را عارف کرده است.

مؤید این برداشت دینی در متون دینی هم آمده است که ملاک خدای متعال در اعطای فقر و ثروت به انسان‌ها، حفظ ایمان آنها است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند عز و جل می‌فرماید: به راستی برخی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی باشند که درست نشود برایشان امر دینشان جز با توانگری و وسعت در زندگی و تندرستی، من آنها را بیازمایم به توانگری و وسعت در زندگی و صحت بدن و امر دینشان درست شود و برخی از بنده‌های مؤمنم بنده‌هایی باشند که درست نشود امر دینشان جز با نداری و مستمندی و بیماری در تنشان. من آنها را بیازمایم و گرفتار کنم به نداری و مستمندی و بیماری و امر دینشان درست شود» (کلینی، ۱۳۶۵ق، ترجمه کمره‌ای، ج ۴، ص ۱۹۳).

همان‌طور که ملاک اولیه خدای متعال حفظ ایمان است، ملاک معصومین برای سفارش‌های رفتاری و تربیتی‌شان حفظ و رشد اخلاق فردی و اجتماعی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «برای خردمند در هر کاری پرورش نفس است» (آمدی، ۱۳۷۳، ۷۳۳۹).

تحلیل این‌گونه است که در جاهایی که دستور به گرفتن حقوق آمده، آن شخص برای رشد اخلاقی و شخصیتی خود، نیاز به نترسیدن دارد، بنابراین دستور به اقدام کردن می‌شود تا این راهکار او را به سمت فضیلت شجاعت هدایت کند و در آنجایی که دستور به گذشت

داده شده است، شخص قادر به دریافت حقوق بوده؛ ولی برای دفع و رفع رذایل اخلاقی مثل خودخواهی، تکبر و غرور و بخلة دستور به گذشت داده شده است تا انسان از صفات رذیله خارج شود.

پس ملاک، هدف و انگیزه در ابراز وجود دینی با روان‌شناختی تفاوت بسیاری دارد و در ابراز وجود دینی از بُعد تربیتی و رشد شخصیتی به آن نگاه شده است بر خلاف ابراز وجود روان‌شناسی که بیشتر جنبه حقوقی دارد.

تفاوت در مواضع ابراز وجود (تعمیم یا تخصیص رفتار ابراز وجود): ابراز وجود روان‌شناسی، به ما یاد می‌دهد که برای رسیدن به حق خود و ابراز افکار و احساسات خود اقدام کنید و به اصطلاح، خودی نشان بدهید و چیزی مانع شما برای این رفتار نشود. حاکم در این رفتار انسان عقل و قراردادهای اجتماعی آن جامعه است و می‌تواند مقابل هر کسی صلاح دانست بایستد و حق خود را بگیرد و اجازه تعدی ندهد در صورتی که در دین مبین اسلام برای هر رفتاری مجوز شرعی و عقلی نیست و اعمال رفتار ابراز وجودی ممنوع شده است. انسان مؤمن نمی‌تواند مقابل هر کسی خواست بایستد یا احساسات و افکار خود را به طور مستقیم بیان کند. در دین اسلام خط قرمزها، محدودیت‌ها یا تکالیفی وجود دارد که در مکاتب غربی ضد آن یافت می‌شود.

این اختلاف به خاطر اختلاف در منشأ حق است که در بحث بعدی در مورد آن توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

در ارتباط والدین با فرزندان امکان بروز اختلاف نظر یا عدم تمایل به رفتار دلخواه والدین وجود دارد؛ ولی تکلیف مؤمن در دین احترام کامل به والدین است.

«پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند (چنانچه تو را به ستوه آورند) به آنان اُف مگوی و بر آنان (بانگ مزین و) پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته (و بزرگووارانه) بگو و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده» (اسراء، ۲۳-۲۴).

انسان مؤمن می‌تواند نظرات و احساسات خود را بیان کند تا جایی که بی‌احترامی به والدین نشود و در تعارضات افکاری و رفتاری، نظر والدین مقدم خواهد شد مگر در معصیت که این هم در دین استثنا شده است.

در دین مبین اسلام بیان نظرات و احساسات به صورت مطلق مجاز نیست و تخصیص‌هایی

وجود دارد؛ مثلاً در ارتباط با غیرمحرارم مجاز به هر ابراز وجودی نیست، همچنین در مقابل امامان معصوم علیهم‌السلام نمی‌توان هر ابراز وجودی داشته و این موضع، جای انقیاد محض است. دین مبین اسلام به مؤمنین و مسلمین اجازه نداده که هر چیزی و هر کاری تمایل داشتند در عمل به آن جامه عمل بپوشانند؛ چون بسیاری از تمایلات درونی ناقض حقوق دیگران است. به عنوان نمونه، خانمی که تمایل دارد با لباسی خاص در اجتماع رفت‌وآمد کند، این آزادی و صداقت در عمل، مخرب حقوق دیگر مؤمنین در جامعه است. همچنین در جامعه دینی نگاه کردن هم قواعدی دارد که در جامعه دینی باید به درستی اجرا شود. «به مردان مؤمن بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند و به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و فرج (عورت)‌های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه پیداست آشکار ن سازند و نیز دستور بده تا اطراف سرپوش‌های خود را بر گریبان و سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند و هنگام راه رفتن پا‌های خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانی‌شان معلوم شود» (نور، ۳۰-۳۱).

پس تفاوت بسیار زیادی در ابراز وجود دینی با روان‌شناسی از حیث موضع ابراز وجود دیده می‌شود که در دین قابل اغماض و نادیده گرفتن نمی‌باشد. **تفاوت ماهوی در تعریف حق و حقوق:** اختلاف در مبانی، غالباً ناشی از اختلاف در منابع است و این تفاوت سیر تفکر انسان را متحول می‌سازد، از این رو به ندرت اتفاق می‌افتد که در صورت اختلاف منابع، در مبانی وحدت نظر و اندیشه حاصل شود. بنابراین، مبانی اعتقادی که از عقل و وحی و متون دینی سرچشمه می‌گیرد با عقیده‌ای که در تجربه و عقل ابزاری ریشه دارد نمی‌تواند یکسان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

بنابراین ابراز وجودی که از منبع تجربه و ابزار بشری نشأت می‌گیرد با ابراز وجود دینی که از وحی و عقل سلیم برداشت می‌شود تفاوت بسیاری دارد و در بسیاری از موارد تضاد و تقابل وجود دارد.

قوت دین اسلام در تأمین حقوق

الف. گره زدن حقوق با تکالیف: فرق است میان ذی حق بودن و نقد شدن فواید آن؛ اثبات استحقاق یک حق لازم است؛ اما در بهره‌مندی از آن کافی نیست. حق را باید به دست آورد و برای به دست آوردن آن تلاش کرد و استیفای هر حقی راه مخصوص به خود دارد. راه به دست آوردن حق و نقد کردن فواید آن، همان چیزی است که از آن به عنوان وظایف و تکالیف

یاد می‌شود. اگر حق را باید به دست آورد بهترین راه آن، تکلیف است. در اینجا قوانین و برنامه‌ها معنا می‌یابند و باید و نبایدها در دین تفسیر می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

«بایدها»، راه‌های تأمین حقوق و «نبایدها» نشان موانع و آفات به شمار می‌روند، پس حقوق بدون تکالیف در حدّ ادّعا و بی‌مصدق است. تأمین حقوق راه‌هایی دارد که باید شناخت، از برخی امور باید پرهیز کرد تا حقوق انسان به مخاطره نیفتد و به کارهایی باید پرداخت تا آن حقوق، به دست آمده و نقد شوند و انسان مستحق، از فواید آن بهره‌مند گردد. با این بیان پیوند میان تکوین و تشریح و کیفیت تعامل میان آن دو روشن می‌شود. منشأ حق از سنخ تکوین و «بود و نبود» است و خود تکلیف از سنخ تشریح و «باید و نباید»، چنان‌که خود حق از قبیل تشریح و باید و نباید است و منشأ تکلیف از سنخ تکوین و بود و نبود. چگونگی و کیفیت ارتباط میان آنها و نوع تعامل میان آن دو از مسائل مهم و حساس حقوقی است. بنابراین، تشریح قانون، شکوفایی تکوین است و برای شکوفایی و بالندگی تکوین و نقد کردن استعدادهای نهفته آنکه همگی حق اوست، نیازمند برنامه و قانون است که در بردارنده بایدها و نبایدهاست و به واسطه تشریح بازگو می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

دین مجموعه‌ای از قوانین است، دین‌آفرین همان انسان و جهان‌آفرین است و انسان‌آفرین به حقیقت و جایگاه انسان و مصالح او آگاه است؛ بنابراین برنامه‌هایی را برای تأمین حقوق، منافع و مصالح بشر تدوین و در مجموعه‌ای به نام دین ارائه کرده است تا بشر به حقوق خود دست یابد. بخش عمده دین که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست، برای تأمین و حفظ حقوق انسانی است؛ بایدها راه‌های تأمین حقوق و نبایدها نشان‌دهنده موانع آفات تأمین حقوق هستند. شخصی از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند که چرا چیزهایی مانند خمر، مردار، خون و گوشت خوک حرام شده‌اند؟ امام علیه السلام می‌فرماید: «حلال و حرام و باید و نباید بر اساس رغبت خداوند به حلال‌ها و نفرت او از حرام‌ها نیست. خداوند بشر را آفریده است و می‌داند چه چیزی مایه قوام بدن وی و به مصلحت اوست»، با این دیدگاه همه تکالیف به حقوق برمی‌گردند. در حقیقت احساس مشقت در مقابل تکلیف و مابین دانستن آن با حقوق انسانی به نوعی، به تن‌پروری و هوای نفسانی و جهل و خودبینی برمی‌گردد، وگرنه نقض در فلسفه آفرینش پیش می‌آید که انسان‌آفرین در حالی که انسان را اشرف کائنات آفریده، با تعالیم خود خواسته باشد حقوق وی را نادیده انگارد (جوادی آملی، مرتضی، ۱۳۹۰).

ب. توجه غالب به انگیزه‌های درونی برای احقاق حقوق: در روان‌شناسی مسئله‌ای به‌نام انگیزه‌های بیرونی و درونی برای ایجاد و تقویت رفتار وجود دارد که در آنجا بحث

می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که برای ایجاد و تقویت رفتار، انگیزه درونی قدرت بیشتری برای تولید رفتار دارد که همین مسئله برای ابراز وجود نیز صادق است چون از جنس رفتار است. برخلاف مکاتب غربی که سعی و تلاششان برای مقابله بیرونی با تعدی و استفاده از منابع بیرونی برای رسیدن به حقوق است، دین مبین اسلام، خلاف غربی‌ها رعایت حق را از درون انسان شروع می‌کند و انگیزه اصلی برای رعایت حقوق، توجه به حرمت انسان و مخلوقات الهی به خاطر ارتباط داشتن با خالق و محبت داشتن به مخلوقات الهی و شوق رسیدن به جامعه آرمانی امت واحده، رسیدن به حیات طیبه است؛ ولی در مکاتب غربی، انسان‌ها از ترس موانع بیرونی اقدام به رعایت حقوق و عدم تعدی به حقوق خواهند کرد و در صورت نبود این مانع اقدام به تعدی و ظلم خواهند کرد.

در دین اسلام انگیزه‌های درونی‌ای باعث امتثال تکلیف مکلف و رسیدن ذی حق به حَقّش با مفاهیم ایمان و اخلاص معرفی شده‌اند. آن عامل مهم و کارساز که هم در اقدام و قیام ذی حق، سهم تعیین کننده دارد و هم در امتثال مکلفان به تأدیه حقوق دیگران اثرگذار است و هم در تعاون داخلی و مساعدت درون شهری یا کشوری یا امتی سهم بسزایی را ایفا می‌کند، دو چیز است؛ ۱. ایمان به خداوند متعال؛ ۲. اخلاص در آن ایمان که توانایی گره زدن حقوق و تکالیف را داراست. وگرنه حَقّ گسیخته از تکلیف و تکلیف جدا شده از حق هرگز تعهد متقابل خود را عمل نخواهد کرد، از این رو امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمودند: «صیانت از حقوق مسلمانان و اجرای آن را با توحید و اخلاص استوار کرد» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۶۷).

ایمان با اخلاص، نور درونی و حافظ دائمی و نگهبان قطعی است و بدون آن حق و تکلیف به هم گره نمی‌خورد یا بعد از مدتی کوتاه نقض می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

از همین جهت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: «از جمله حقوق لازم الهی بر بندگان، این است که آنان یکدیگر را در اقامه حق یاری کنند» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۲۱۶).

البته این حق، اعم از حق خدا و حق خلق است. پس دو عامل اساسی در تحقق حقوق شخصی و اجتماعی و انجام تکالیف فردی و عمومی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند؛ یکی اعتقاد به وحدانیت الهی است و دیگر اخلاص در عمل؛ یعنی کنار زدن همه خودخواهی‌ها و منیّت‌ها و تکیه زدن به قدرت واحدی که منشأ تمام قدرتهاست و انجام عمل در راستای جلب رضایت او و تقدم خشنودی حق بر خلق (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

جامعیت حقوق در دین اسلام و نقص آن در مکاتب غربی: منشأ حق از نگاه غالب اندیشمندان غرب، همان قراردادهای اجتماعی است. بسیاری از آنها اعتقاد دارند که

شکل‌گیری جامعه بر مبنای قراردادهای اجتماعی بوده و همه حقوق انسان‌ها بر اساس همین قوانین تأمین می‌شود. منظور از قراردادهای اجتماعی، مجموعه قوانینی است که حاکمان یا قوای مقننه آن را تنظیم و تدوین کرده باشند چنان‌که یکی از صاحب‌نظران به نام توماس هابز (۱۵۸۸م) بر این نکته تصریح دارد که همه حقوق از حاکم سرچشمه می‌گیرد و هیچ حقوق الهی و طبیعی وجود ندارد. وضع طبیعی انسان وضع جنگ است که آدمیان بی‌خردانه رفتار می‌کنند و برای کنترل آنان لازم است حاکم مطلق باشد (برونوفسکی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۳).

بر فرض صحت این نظر، سؤال این است که آیا همه حقوق انسانی از طریق قرارداد اجتماعی تأمین می‌شود و آیا مقررات اجتماعی از جامعیت لازم برخوردارند؟ پاسخ این پرسش‌ها از نگاه قراردادگرایان اجتماعی مثبت است، چون حق از نظر ایشان امتیازی است که قانون به انسان اعطا کرده است، اما این دیدگاه با مبانی اسلام سازگار نیست؛ زیرا حقیقت انسان مسبوق به فراطبیعت و ملحق به آن است؛ یعنی انسان گذشته از جنبه بدنی و مادی، روح اصیل و مجردی دارد که نه از خاک است و نه به خاک برمی‌گردد.

«و یاد کن» هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشک که برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ است، می‌آفرینم. پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدم، برای او سجده‌کنان بیفتید. پس همه فرشتگان بدون استثنا سجده کردند» (حجر، ۲۸-۳۰). همه عقاید، اخلاق، احکام و حقوق او سازنده هویت تکاملی او است، تمام قوانین او باید بر اصول اولی آفرینش وی تکیه کند و به مرجع نهایی او بعد از مرگ بازگردد.

تعریف جدید از ابراز وجود: مهارتی است که به پشتوانه عقل و ایمان، با انگیزه انصاف با توجه به ارزشمندی و دارایی خود و شناخت حق و حقوق خود و دیگران، با شجاعت برای حق به صورت صادقانه قیام کند و در مقابل ظلم سر فرود نیآورد.

منابع

• قرآن کریم.

- آلبرتی، رابرت و امانز، مایکل (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی ابراز وجود*، تهران: علمی.
- ابراهیمیان، پروانه (۱۳۹۱)، *بررسی تأثیر آموزش ابراز وجود بر سازگاری دانش‌آموزان دختر و پسر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: دکتر مهدی دهستانی، استاد مشاور: دکتر محسن ذوالفقار).
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، جلد ۱، قم: جامعه مدرسین.

- الوانی، مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، چاپ سی و یکم، تهران: نی.
- براندن، ناتانیل (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی و حرمت نفس*، ترجمه: جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی انتشار تهران.
- بقایی مقدم، گلناز (۱۳۸۸)، *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کنترل خشم و خودپنداری نوجوانان با ناتوانی جسمی*، حرکتی شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- بهرامی، فاطمه (۱۳۷۵)، *مقایسه روش‌های جرأت‌آموزی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، فاطمه (۱۳۷۵)، *مقایسه روش‌های جرأت‌آموزی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان*، سال تحصیلی ۷۵-۷۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، فرهاد (۱۳۷۴)، *مقایسه روش‌های آموزش رفتار خود ابرازی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان سال ۷۵-۷۴*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- بولتون، رابرت (۱۳۸۱)، *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)*، ترجمه: حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنایی، تهران: رشد.
- پروچاسکا، اوچمیز و نورکراس، جان سی (۱۳۸۱)، *نظریه‌های روان‌درمانی*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: رشد.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *بررسی اثربخشی آموزش‌های درمانی و آموزشی سرمشق‌پذیری و تمرین سرمشق‌پذیری و آرمیدگی عضلانی در درمان رفتارهای غیرجرأت‌ورزانه*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- جوادی‌آملی، مرتضی (۱۳۹۰)، *حق و تکلیف در اسلام*، قم: مرکز نشر اسراء.
- رحیمیان بوگر، اسحاق؛ شاره، حسین؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر شیوه‌های جرأت‌ورزی بر سازگاری اجتماعی»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- سروش، محمد (۱۳۸۹)، *اثربخشی آموزش گروهی ایمن‌سازی در برابر استرس بر میزان اضطراب امتحان، سبک اسناد و پرخاشگری کلامی نوجوانان دختر شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی (چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان.
- سلیمانی، راحله نژاد (۱۳۹۰)، *مقایسه اثربخشی دو شیوه گروه‌درمانی شناختی-رفتاری و واقعیت‌درمانی بر جرأت‌ورزی دختران دبیرستانی کم‌جرأت شهر سرخس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

علامه طباطبایی.

- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۷)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی. قم: الهادی.
- عابدی، علی (۱۳۷۸). *تأثیر آموزش ابراز وجود بر رفتار خود ابرازی دانش آموزان مقطع دبیرستان شهرستان نائین*، اصفهان: دانشگاه آزاد.
- عباس‌نیا، محمد (۱۳۷۸)، *تأثیر آموزش جرأت‌ورزی و عزت‌نفس پسران کم‌جرأت (به شیوه شناختی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فنسترهایم، هربرت و وبائر، جین (۱۳۷۸)، *آموزش قاطعیت*، ترجمه: عباس چینی، تهران: البرز.
- قربانی، نیما (۱۳۸۰)، *مهندسی رفتار ارتباطی*، تهران: سینمه‌سرخ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ق)، *اصول کافی*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۰)، *ارزشیابی شخصیتی*، تهران: ساوالان.
- مایکنبام، دونالد (۱۳۷۶)، *آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس*، ترجمه: سیروس مبینی، تهران: مؤسسه انتشارات رشد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هارجی، ا.، ساندرز، ک و دیکسون، د (۱۳۸۴)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران: رشد.
- هارجی، ا.، ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۸۴)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات بین فردی*، ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران: رشد.
- Azaïs, F. granger, B. Debray, Q. Ducroix, C. (1999). Cognitive and emotional approach to assertiveness, L'Encéphale, Vol. 25, Iss. 4, 353-357.
- Deluty, Robert H. (1981). Assertiveness in children: Some research considerations. Journal of Clinical Child Psychology, Vol. 10, Iss. 3, 149-155.
- Lin, Y. Shiah, S. Chang, Y C. Lai, T. Wang, K Y. Chou, K R. (2004). Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students' assertiveness, self-esteem, and interpersonal communication satisfaction. Nursing Education Today, Vol. 24, Iss. 8, 656-665.
- Ames D. Pushing up to a point: Assertiveness and effectiveness in leadership and interpersonal dynamics. Research in Organizational Behavior. 2009; 29: 111-33.
- Stake, J. E. , DeVille, C. J. , & Pennell, C. L. (1990) The effects of assertive

training on the performance self-esteem of adolescent girls. *Journal of Youth and Adolescence*.

- Michel, F. (2008). *Assert Yourself*. Perth, Western Australia: Centre for Clinical Intervention.
- Back, R & Back, K. (1986). *Assertiveness at Work – A Practical guide to Handling Awkward Situations* McGraw Hill, London.
- gambrell, E. D. & Richey, L. A. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research *Behavior Therapy*, 6, 550-561.
- Linehan, M. (1979). Structured cognitive-behavioural treatment of assertion problems. In Kendall Hollon, *Cognitive Behavioural Interventions* (pp205-240). Academic Press.
- Adam Rita, C. S. (2010). The effects of gestalt and cognitive- behavioral therapy group intervention on the assertiveness and self-steem of women with physical disabilities facing abuse. Doctoral disseration, Wayne State University.
- Bowman, D. & Leakey, T. (2009). The power of gestalt therapy in accessing the transpersonal: Working with physical difference and disability. *gestalt Review*, 10 (1), 42-59.
- Martinez, E. (2002). Effectiveness of operationalized gestalt therapy role-playing in the treatment of phobic behaviors. *gestalt Review*, 6 (2), 148-166.